

شیوه‌های همیاری در جامعه روستایی ایران^۱

همیاری در جامعه روستایی ایران بیش از خودیاری و دیگر یاری بچشم می‌خورد. همیاری بمعنای یکدیگر را یاری دادن و موفقیت خود را در گروه موفقیت دیگران دانستن، سابقه در فرهنگ روستایی دارد و تا حدودی ناشی از وضعیت طبیعی و جغرافیایی است، زیرا در مناطقی که عدم مساعدت طبیعت نیروی انسانی را وادار به سعی و کوشش بیشتری کرده است، همیاری در زمینه تأمین آب و بهمین ترتیب همیاری در سایر امور زراعی و دامداری غنی‌تر و نمایان‌تر است. همیاری روستائیان را می‌توان از لحاظ استقلال واحد تولیدی بدو دسته عمده تقسیم نمود:

- همیاری روستائیان بشکلی که استقلال واحد اقتصادی هر یک محفوظ میماند: همیاری در تأمین آب، همیاری در برداشت محصول و ...
- همیاری روستائیان بصورتی که موجب حذف استقلال واحد اقتصادی آنان می‌گردد: عضویت در واحدهای بهره‌برداری گروهی نظیر بنه، حراثه، صحرا، ...

۱- همیاری با حفظ استقلال فردی

شایع‌ترین نوع همیاری روستائیان در گذشته و حال همیاری در زمینه تأمین آب زراعی، لایروبی آنها، وجین، برداشت محصول، تحویل شیر استحصالی چند نفر به یک نفر با رعایت نوبت ببادله خدمات، و ابزار کار و ... میباشد که میتوان آنها را بصورت زیر دسته‌بندی کرد:
کارگروهی، ببادله خدمات، وسائل مشترک کشاورزی، اسرودامداری

۱-۱- کارگروهی

کار کردن روستائیان کشاورز و اعضای خانواده‌اشان با هم در واحدهای اقتصادی مربوط به یکدیگر، کارگروهی نامیده می‌شود. در گذشته که شیوه مالک و رعیتی، شکل غالب در

(۱) این مقاله بآئیکه بر مشاهده محقق و با استفاده از یاد داشتهای تهیه شده در طول سفرهای پژوهشی در مناطق مختلف روستایی ایران تنظیم گردیده است. در این مقاله سعی شده برداشتی کلی از شیوه‌های همیاری ارائه گردد، بدیهی است در فرصتی مناسب نسبت به انتشار یاد داشتهای مربوط به این موضوع که بیشتر جنبه توصیفی دارد اقدام خواهد شد.

واحدهای بهره برداری زراعی بود، مالک، زمین و آب و بعضاً بذرها در اختیار زارع قرار میداد، لکن مدیریت مالک بنوعی در مجموع اراضی مربوطه خود، مستقیماً و یا توسط نماینده اش، اعمال می گردید. مالک، به منظور بهره گیری هرچه بهتر و بیشتر از نیروی کار زارعین و اعضای خانواده آنها، به هنگامی که نیاز به صرف نیروی کار بیشتری بود مثلاً هنگام وجین یا برداشت محصول، روستاییان را تشویق به همیاری می نمود. باین ترتیب که روستاییان بیبایست همه با هم در یک گروه و یا در گروههای کوچکتر، باتفاق در روی زمین مربوط به هر زارع کار می کردند. علاوه بر این، در مواقع مقتضی و برحسب عرف محل، از نیروی کار روستاییان بصورت بیگاری نیز استفاده میگردید، بیگاری نیز برحسب نوع کار، بعضاً بصورت گروهی صورت میگرفت.

با انجام تقسیم اراضی (اصطلاحات ارضی سال ۴۱) و استقلال که هریک از زارعان بر خوردار از قانون، در واحد زراعی خود پیدا کردند، شیوه کار گروهی و کمک بیکدیگر را برحسب عادت و ضرورت ادامه دادند، ولی بتدریج حساب و کتابی در کار آمد و حتی گسترش روابط شهر و روستا، مابه ازاء ریالی نیروی کار را در روستا حتی در سطح کار گروهی مطرح کرد.

امروزه ضرورت کار کشاورزی در بسیاری از مناطق من جمله در روستاهای استان مازندران و گیلان، کار گروهی را در زمینه نشاء و وجین شالی تحت عنوان یابوری و اصطلاحات محلی حفظ کرده است، در سایر مناطق کار گروهی به وسعت گذشته معمول نیست، و نظام کار مزدی روستاییان جایگزین کار گروهی که معمولاً بدون نگهداری حساب دقیق روزهای کار برای یکدیگر انجام می شد، گردیده است.

۱-۱- عوامل مؤثر در کار گروهی

عواملی که زمینه ساز کار گروهی است عبارت اند از:

- ۱- تناسب زمینهای کشاورزی هریک از اعضای گروه کار
- ۲- تناسب در نوع کار و نوع محصولات زراعی، باین ترتیب که زمینه همیاری بین کشاورزانی که محصولات مختلفی را کشت میکنند بسیار ضعیف است.
- ۳- تناسب در سن و سال و تفاهم اخلاقی از دیگر زمینه های تشکیل گروههای کار است چه بسا افرادی که همسایه نیستند و مزارعشان در جوار هم قرار نگرفته لکن با یکدیگر همکاری مینمایند، از طرف دیگر همجواری در صورت وجود تفاهم و سازگاری میتواند عامل مهم و مؤثری در تدوام کار گروهی محسوب گردد.
- ۴- تناسب از نظر اجتماعی، فنی و اقتصادی از دیگر زمینه های مناسب برای کار گروهی است، افرادی که از نظر سلسله مراتب اجتماعی در روستا در مرتبه متفاوتی قرار دارند و یا سطح آگاهی فنی و تجربی آنان متفاوت است تجانس و هماهنگی لازم را ندارند و نمیتوانند گروه کار تشکیل دهند.

گروه‌های کار که در شرایط فعلی در روستا تشکیل می‌گردد، بمشابه یک گروه اجتماعی-اختیاری است، بنابراین روابط و کنش متقابل بین اعضای آن موجب انسجام و هماهنگی آن می‌گردد و چه بسا گروه‌های کاری که بر اساس مناسبات خویشاوندی تشکیل می‌گردند، تا از روابط نزدیک و صمیمی موجود در چار چوب گروه کار بهتر استفاده شود.

۱-۱-۲- ترک یا کاهش کارگروهی

عوامل مختلفی موجب تغییرات و تحولاتی در شکل گروه‌های کار و نیز ترک یا کاهش آن گردیده است که عمده‌ترین آنها عبارتند از:

۱- استفاده از ماشین‌آلات کشاورزی خصوصاً تراکتور و کمباین موجب کاهش همیاری و حتی در مواردی ترک آن شده است، بطور مثال برداشت محصول گندم در بسیاری از مناطق ایران نیازمند کارگروهی بوده است، لکن استفاده از کمباین، روستاییان را از یاری دیگران بی‌نیاز نموده است. عبارتی در جاییکه ماشین جانشین نیروی کار انسان شده است، موجب حذف یا تضعیف همیاری گردیده و یا اشکال جدیدی از همیاری را مطرح کرده است.

۲- کاهش زمین تحت کشت روستاییان خصوصاً در مرحله دوم و سوم تقسیم زمین (شق تقسیم آب و زمین) موجب کاهش نیاز به کارگروهی گردید. در نقاطی که زمین واگذاری به کشاورز نصف و یا یک‌سوم زمینی بود که قبلاً کشت می‌کرد با استفاده از نیروی کار اعضای خانوار خود از همیاری دیگر روستاییان بی‌نیاز شدند.

۳- گسترش روابط شهر و روستا که بدنبال تقسیم زمین دهه ۳۴ سرعت یافت، موجب شد تا نیروی کار اضافی روستا به شهرها روانه شده و ارزش کار یک روز هر کارگر در بازار کار مشخص گردد و عبارتی ارزش کار با معادل پولی آن سنجیده شود، این امر موجب شد تا محاسباتی در روزهای کار انجام شده برای هر یک از اعضای گروه کار بعمل آید و در پاره‌ای موارد عضوی که از نیروی کار بیشتری استفاده کرده بود بتدریج ناچار به پرداخت مزد بابت روزهای کار اضافی شد، از طرفی وجود واحدهای کشاورزی مکانیزه در روستاها و گسترش آنها در طی مراحل دوم و سوم تقسیم اراضی و کار زنان و کودکان در این قبیل واحدها، ما به‌ازاء پولی را به سطح زنان و اعضای خانوار روستایی تعمیم داد. بطوریکه امروزه در بسیاری از مناطق، خصوصاً در ناحیه شمال کشور حساب تعداد و ساعات کار اعضای خانوار گروه‌های کار را نگه می‌دارند و در صورتی که در پایان کار و چین و یا نشاء عضوی کمتر از روزهای کاری که هر یک از اعضای گروه برای او انجام داده‌اند، برای آنها کار کرده باشد، می‌بایست تفاوت آنرا بصورت نقدی و یا جنسی به آنها پرداخت نماید.

این امر متأسفانه در بین خویشاوندان و حتی بین دو برادر هم‌تسری پیدا کرده و تفاوت روزهای کار برای یکدیگر را بنحوی تسویه می‌نمایند.

۴- از دیگر عواملی که موجب کاهش و یا ترک همیاری شده است، عادات و سنتهایی است که از گذشته در مورد پذیرایی از اعضای گروه کار معمول بوده است. باین ترتیب که تهیه چای و ناهار اعضای گروه بر عهده یاری گیرنده بوده است. در پاره‌ای از مناطق بخصوص در مناطق غرب کشور تهیه ناهار با تفصیلاتی که داشته، موجب گردیده است تا اگر کسی نمیتواند از کمباین استفاده کند، خودش و حداکثر با استخدام چند کارگر روز مزد کار درو را انجام دهد. در مناطق شمال کشور بعد از انقلاب بدلیل مشکلاتی که در زمینه تهیه نهار و پذیرایی بوده است، شکل کارگروهی را عوض کرده‌اند. باین ترتیب که معمولاً اعضای گروه کار صبح را برای یکی از اعضاء کار میکنند و بجای سراجعه به منزل وی و صرف نهار و ادامه کار، در بعد از ظهر، ناهار را هریک در منزل خویش صرف میکنند و بعد از ظهر برای کار به مزرعه یکی دیگر از اعضای گروه میروند. تا شخص یاری گیرنده را در معذور قرار ندهند. لازم به تذکر است که در بعضی از مناطق تهیه ناهار برای کارگران روز مزد بر عهده صاحب کار است ولی تشریفاتی که از گذشته برای پذیرایی از اعضای گروه کار وجود داشته و آنرا بمنزله یک جشن در می آورده است در این مورد وجود ندارد.

۳-۱-۱- خصایص اقتصادی و اجتماعی کارگروهی

کارگروهی هم دارای خصایص اجتماعی است و هم اقتصادی. هنگامی که نظام مالک و رعیتی در روستاها غالب بود، از نظر مالک، گروهی کار کردن متضمن منافع اقتصادی بود، زیرا بخصوص به هنگام برداشت محصول همه روستاییان در کم و کیف محصول یکدیگر قرار می گرفتند و از آنجا که گروههای کارنوعاً انتخابی نبود بلکه زیر نظر مالک یا نماینده اش تشکیل می شد، موضوع نظارت و کنترل از طریق برخی از اعضای گروه صورت می گرفت و باعث می شد که در نتیجه کار بیشتر و بهتر، سهم مالک از محصول بیشتر گردد، از نظر خود روستاییان نیز با هم کار کردن مطلوب بوده و بحث و گفتگوی هنگام کار از سختی آن می کاست. امروزه در برخی از موارد همیاری بخصوص به هنگام نشاء شالی یا تهیه رب انار یا تبدیل شیر به فرآورده های لبنی متضمن منافع اقتصادی برای خانوار است زیرا شخصی که خزانه شالی را برای نشاء آماده کرده اگر بخواهد خودش به تنهایی این کار را بکند ممکن است ۱۰ تا ۲۰ روز طول بکشد، در این صورت یا باید چند بار خزانه آماده کند و یا در همان دو سه روزی

۱) معمولاً کسانی که برای درو گندم به یاری کشاورزی میروند، بیایست ناهار با ذبح بره یا بزغاله از آنها پذیرائی گردد و بهنگام صبحانه و عصرانه، نان تازه و روغن حیوانی و دوغ فراوان در اختیار گروه کار قرار گیرد.

۲) بدلیل سهمیه بندی شدن روغن و قند و گرانی برخی از اجناس

که فرصت نشاء است از کارگر روز مزد استفاده نماید و بقیه روزهای دیگر خود به کارگری رود. در حالیکه با تشکیل گروه کار و تنظیم برنامه کشت هر یک از گروههای کار، خزانه هر عضو گروه به ترتیب آماده می‌شود، و همگی با کمک هم در مدت ۱۵ تا ۲۰ روز اراضی کلیه اعضاء را نشاء می‌زنند. بدیهی است با توجه به اینکه به کارگری رفتن برخی از کشاورزان مرسوم نیست و موجب کسر شأن آنها می‌شود، برای اعضای گروه کار دارای منافع اقتصادی است. از طرف دیگر با هم کار کردن عده‌ای از زنان یا مردان که خود گروه کار خویش را مشخص کرده‌اند و زرمه آهنگهای محلی و گاهی صحبت کردن و درد دل کردن و گفتن و خندیدن آنها را کمتر خسته می‌کند و کارآئی آنها را نیز بالا می‌برد، چشم و هم چشمی با هم و بصورت مرتب و ردیفی کار کردن، افراد تنبل را هم به کار با آهنگ دیگران وامی‌دارد. همین خصیصه اقتصادی و اجتماعی روانی کارگروهی است که موجب حفظ آن در پاره‌ای از مناطق گردیده است.

۱-۲- مبادله خدمات

در گذشته در سوادری مبادله خدمات بین روستاییان مرسوم بوده است، «هم‌بندی» از جمله مظاهر این نوع همیاری است. زارعی که دارای بیش از یک راس گاو کار نبوده است، با زارع دیگر که او نیز یک راس گاو داشته، مبادله نیروی شخم می‌کرده‌اند، باین ترتیب که هر دو گاو را به ترتیب در زمین مربوط به هر یک مورد استفاده قرار می‌داده‌اند، بدون اینکه هیچ یک در واحد بهره‌برداری دیگری حقی بدست آورد. معاوضه و به عاریت دادن برخی دیگر از وسایل سنتی کشاورزی نظیر خیش از دیگر همیارهای روستاییان در زمینه مبادله وسیله و خدمات بوده است. دگرگونیهای اجتماعی و اقتصادی جامعه روستایی خصوصاً ورود ماشین‌های کشاورزی ضمن اینکه کارگروهی را کاهش داده و در برخی از موارد آنرا بتروک نموده موجب بروز اشکال جدیدی از همیاری گردیده است. عدم تعمیم ماشین در کلیه مزارع و عدم تناسب ظرفیت ماشین (تراکتور، کمباین و) با اندازه مزارع کوچک روستاییان، مبادله ماشین با ماشین و یا با نیروی کار را در سطح وسیع و قابل توجهی معمول نکرده است. لکن در سطح محدود و در مناطق شمالی کشور که متوسط استفاده از ماشین‌آلات کشاورزی نسبت به سایر مناطق بالا تر است، روستاییانی که دارای تیلر هستند آنرا در اختیار سایر روستاییان قرار می‌دهند بشرط این که اراضی صاحب تیلر نیز با نیروی کار همان شخص شخم زده شود، بعبارت دیگر کشاورزی که دارای

۱) در کشورهای اروپائی و از جمله فرانسه که متوسط زمینهای زیر کشت یک زارع حدود ۱۵ تا ۲۰ هکتار است مبادله ماشین‌آلات کشاورزی با نیروی کار و یا با ماشین بر اساس معیارهای تنظیمی از سوی دستگاههای اجرائی ذیربط در امور کشاورزی متداول است.

دو یاسه هکتار زمین است اقدام به خرید تیلر مینماید و از آنجا که کار با آن نیاز به نیروی بدنی قوی دارد و احیاناً خودش قادر به استفاده از آن نیست با روستایی دیگری که حاضر شود با همان تیلر زمین خود و صاحب تیلر را شخم بزند، قرار می‌گذارد و استفاده از تیلر را با نیروی کار او مبادله می‌کند و یا در پاره‌ای از مناطق، زارع در ازای شخم زمین توسط تراکتور، برای صاحب تراکتور کار میکند. مشکلی که در این زمینه وجود دارد، مسئله تعیین معیار و ملاک برای مبادله ماشین با ماشین و یا با نیروی کار است که چون درحد وسیعی هنوز گسترش نیافته، بیشتر با توافق ضمنی و با توجه به نرخ دستمزد کارگر و اجاره ماشین تعیین می‌شود. بنظر میرسد در صورت گسترش این نوع همبازی مشکلاتی در مبادله پیش‌آید. بدیهی است اگر واگذاری یا فروش تراکتور و یا سایر ماشین‌آلات کشاورزی به کشاورزانی که زمین باندازه کافی ندارند، با این شرط صورت گیرد که آنها به قیمت تمام شده (بر مبنای محاسبه‌ای که مراکز خدمات کشاورزی صورت خواهند داد) با ماشین‌آلات دیگر کشاورزان و یا با نیروکار آنان مبادله نماید، بنظر میرسد اولاً از تقاضای کاذبی که اکنون برای خرید ماشین‌آلات وجود دارد کاسته می‌شود و هم‌نرخ اجاره ماشین‌آلات کاهش پیدا می‌کند و هم از نیروی کار اعضای خانوار کشاورزی بخوبی استفاده می‌شود.^۲ بدیهی است که اگر صاحب تراکتور نیازی به نیروی کار و یا وسیله دیگری نداشته باشد، می‌تواند اجاره تراکتور را به قیمت تمام شده و بر اساس تعرفه‌ای که مراکز خدمات کشاورزی معین می‌کند^۳ دریافت دارد.

۱-۳- وسایل مشترک کشاورزی

اشتراک وسایل کشاورزی بین روستائیان در گذشته سابقه نداشته است، در نظام سنتی کشت، گاو و خیش بعنوان وسایل عمده کشاورزی محسوب میشد و آنند که آنهم یا متعلق به زارع بوده است، یا از طریق گاویند و یا وسیله مالک در اختیار واحد زراعی قرار می‌گرفته و معمولاً بر

۱) زوربا روستائیان خواهان خرید تراکتور، بیشتر به جنبه ارزش اجتماعی آن می‌نگرند و می‌خواهند که تراکتوری داشته باشند تا هم به عنوان وسیله نقلیه از آن استفاده کنند و هم پارک کردن آن در جلوی منزل یا مزرعه برای آنها ارزش و حیثیت اجتماعی بارمغان آورد.

۲) این موضوع در مقاله‌ای تحت عنوان طرحی برای بانک «مبادله خدمات» مورد بررسی قرار گرفته است. نگاه کنید به مجله جهاد، سال هفتم، شماره ۹ و ۹ تیرماه ۱۳۶۶.

۳) بررسی کامل تر و تفصیلی این موضوع نیاز به وقت بیشتری دارد، لکن قابل توجه و درخور اهمیت است، زیرا پدیده‌ای است که در کشورهای دیگر بخصوص آنهایی که در مکانیزه کردن کشاورزی توفیقی داشته‌اند رخ نموده و توانسته است رافع مشکلاتی باشد.

اساس سیستم مزارعه، $\frac{1}{3}$ از محصول را بخود اختصاص میداده است. امروزه هم با اینکه در بعضی مشاعها تراکتور را در اختیار اعضای مشاع قرار داده‌اند، لکن مشکلات موجود در استفاده (بدلیل تقسیم و افزاز زمینهای برخی از مشاعها بصورت غیر رسمی بین خودشان)، نگهداری و تعمیر آن موجب شده تا توسط یکی از اعضای گروه مشاع خریداری شده و بصورت اجاره‌ای در اختیار دیگران قرار داده شود. خرید تراکتور و یا سایر ماشین‌های کشاورزی بطور مشترک توسط کشاورزان معمول نیست ولی شیوه جدید و رایج استحصال آب یعنی استفاده از چاه عمیق و نیمه عمیق و نیز استفاده از موتور پمپ (در جایی که از آب رودخانه استفاده می‌شود و سطح آب پائین تر از سطح مزارع است) موجب پیدایش نوعی اشتراک در حفر چاه و خرید و نگهداری و تعمیر موتور پمپ شده است. در چنین مواردی همیاری و همکاری روستاییان اجتناب ناپذیر جلوه مینماید و ناچارند همکاری‌هایی در زمینه توزیع آب و تنظیم مدار گردش آن و نیز تامین هزینه‌های سرمایه‌گذاری ثابت و یا جاری آن بنمایند.

بنابراین شیوه‌ای از مشارکت و همیاری در زمینه تامین آب معمول شده است این شیوه با تبدیل منابع آب از قنات به چاه عمیق در حال گسترش بوده و بنظر می‌رسد زمینه مناسبی برای استفاده از شیوه‌های نوین آبیاری بارانی را فراهم آورده است. زیرا استفاده از چنین شیوه‌هایی با توجه به محدودیت سطح زمینهای کشاورزان به صورت انفرادی نه ممکن و نه مقرون به صرفه است.

۴-۱- همیاری در زمینه دامداری

در واحدهای بهره‌برداری خانوادگی که هریک از کشاورزان تعدادی دام نگهداری می‌نمایند، به نحوی که تامین علوفه و تغذیه آنها از طریق زوائد محصولات زراعی فراهم آید، میزان شیر حاصله برای هر خانوار قابل تبدیل به فرآورده‌های دامی و یا عرضه مستقیم به بازار نیست، لذا طبق رسمی که از گذشته دور معمول بوده است محصول شیر روزانه خانوارهای یک روستا، و یا هر چند خانوار در یک روستا، در اختیار یکی از خانوارهای دامدار قرار داده میشود، تا وی بتواند با استفاده از شیر بیشتری آنرا به فرآورده لبنی مورد نظر تبدیل نماید. بدیهی است محصول شیر این خانوار برای مدت مشخصی در اختیار دیگران قرار داده خواهد شد. روزی که شیر همه خانوارهای روستا یا عده‌ای از خانوارها برحسب عرف در اختیار خانواری قرار می‌گیرد، اعضای فامیل

۱) در قانون احیاء و واگذاری زمین به روستاییان، واگذاری زمین به روستاییان به صورت تعاونی و به شکل مالکیت مشاع صورت می‌گیرد.

۲) نمونه مشاعهای تشکیل شده در یزد، منطقه مروست و هرات

و همسایگان به یاری آن خانوار می‌شتابند تا امکان تبدیل شیرهای استحصالی به فرآورده لبنی (نظر به مشکلات مربوط به نگهداری شیر و عدم تکافوی کار اعضای خانوار به تنهایی) مورد نظر فراهم آید، چنین روزی برای افراد یاری دهنده حکم جشنی را دارد که بدور هم گرد آمده ضمن کار و فعالیت، پذیرایی نیز میشوند. این نوع همیاری که به شیرواره، شیروره و یا... در مناطق مختلف موسوم است بدون حذف استقلال اقتصادی هر خانوار او را قادر به استفاده منطقی تر از محصول خویش می‌نماید.

در مناطقی که مدتی از سال دامها را به کوهستان و بیلاق می‌برند، معمولاً یک نفر به عنوان چوپان تعیین می‌گردد تا دامهای چند خانوار را همراهی کند، شخص (خانوار) همراه دامها، محصول شیر تمام دامها را با هم به روغن، کشکک یا پنیر تبدیل می‌نماید و به هنگام بازگشت به روستا، سهم هریک از روستائیان (بصورت جنسی یا نقدی بر حسب مورد) به نسبت تعداد دامهایی که در اختیار چوپان قرار داده‌اند پرداخت می‌شود. گاهی چوپان یکی از خود دامداران می‌باشد.

در پاره‌ای دیگر از مناطق برای چرای کوتاه مدت و روزانه دامها چوپان اجیر می‌کنند و هریک از دامداران به نسبت دام خود سهم خویش را از اجرت چوپان می‌پردازد. اشکال دیگری از همیاری در زمینه دامداری نیز وجود دارد که جملگی استقلال دامدار و مالکیت او را بر دامهایش بطور «مفروض و» مشخص سرعی می‌دارند.

مراد از ذکر این نکته این است که به اتکای وجود زمینه‌های همیاری و همکاری در جوامع روستایی نمیتوان امیدوار به استقرار واحدهای جمعی و اشتراکی بود که در آن مالکیت مفروض و استقلال اقتصادی هریک از روستائیان ملحوظ نمی‌گردد.

۲- همیاری با حذف استقلال فردی

کشت جمعی و اشتراکی به صورتی که استقلال و مدیریت فردی هر زارع را از بین ببرد، تنها در یک مورد و آن هم نوع واحد بهره‌برداری موسوم به بنه، صحرا، حراثه و یا... در جامعه روستایی ایران مشاهده می‌شود. بدیهی است مالکیت مشترک قبیله بر اراضی زراعی در مواردی مثل ترکمن صحرا تا قبل از سال ۱۳۰۰ هجری شمسی مشاهده می‌شد، لکن هرچا و اریا زارع - دامدار، در واحد زراعی که بر اساس نیروی کار خویش تشکیل می‌داد مستقل بوده اشتراکی در کار و محصول با دیگران نداشته است.

۱) طبیعی است که بحث از شرکتهای تعاونی تولید و شرکتهای سهامی زراعی بدلیل این که شکل رسمی و دولتی داشته و زیر نظر و با کمک کارکنان دولتی تشکیل شده‌اند و بعضاً مورد پذیرش روستائیان نبودند، در این قسمت نمی‌گنجد.

با این که تعاریفی از بنه و یا این نوع واحد بهره‌برداری صورت گرفته است، معذالک می‌توان آنرا به صورت زیر تعریف کرده: بنه یا حراثه یا صحرا و عبارتست از یک واحد بهره‌برداری گروهی زراعی که عده‌ای زارع زیر نظر یکی از زارعین منصوب مالک و یا نماینده‌اش موسوم به سربنه، یا سالار و یا ... در یک یا چند قطعه زمین که با قید قرعه معین می‌شود، با استفاده از نیروی شخم (گاوکار) شخصی برای یکسال زراعی بر اساس برنامه کشت تنظیمی مالک به کشت می‌پرداختند.

۱-۲- ویژگیهای واحد بهره‌برداری گروهی^۲ (بنه، صحرا، حراثه و...)

واحدهای بهره‌برداری گروهی تحت عنوان بنه در ورامین و قزوین، و با نام صحرا در خراسان یا حراثه در استان فارس و ممکنست از نظر عنوان و یا برخی از ویژگیها مختصر تفاوت‌هایی با یکدیگر داشته باشند، از آنجا که در این بحث هدف توصیف انواع و خصوصیات واحدهای بهره‌برداری جمعی در مناطق مختلف ایران نیست، به شرح ویژگیهای کلی و عمومی این نوع همیاری پرداخته میشود.

۱- تولید زراعی گروهی بشکل بنه و یا ... در همه مناطق ایران مرسوم نبوده بلکه، این نوع بهره‌برداری بیشتر در مناطق کم‌آب و حاشیه کویر ایران (روستاهای جنوبی، شرقی و مرکزی ایران) معمول بوده است. کمبود آب و پائین بودن میزان بارندگی سالانه، از عوامل رواج یافتن این شیوه تولید در مناطق مزبور ذکر شده است. (۳)

محدودیت آب در مناطق حاشیه کویر موجب انتخاب شیوه‌ای از تولید گردیده است که در شرایط نامساعد اینگونه مناطق کارائی بیشتری داشته باشد. لکن شیوه انحصاری تولید زراعی نبوده است. ۲- این نوع واحد بهره‌برداری غالباً در مناطقی که نظام مالک و رعیتی وجود داشته، مشاهده گردیده است، این امر نشان آنست که مالک این شیوه را در جهت تأمین منافع خویش مناسب تر تشخیص داده است زیرا:

- کنترل و نظارت بر زارعین از طریق شیوه تولید گروهی سهل تر صورت می‌پذیرفت، در هر قدرت روستا مالک در راس و مباشر، کدخدای، داروغه و امثال اینها بعد از او و سپس سربنه‌ها (آیاران یا سالارها) و در قاعده هرم زارعین عضو واحد تولید گروهی قرار داشتند. این نظام کنترل زارعین را از طریق عوامل مالک تسهیل می‌نمود.

(۱) به کتاب «بنه» تألیف جواد صفی نژاد استاد یار دانشکده علوم اجتماعی و تعاون مراجعه شود.

(۲) در این مقاله از این پس بجای بنه، حراثه، صحرا و ... از واحد بهره‌برداری گروهی و یا بنه نامبرده میشود و بدیهی است هر جا واژه بنه آورده شود، مراد واحد بهره‌برداری گروهی بطور کلی است و بنه بمعنای اخص خود مورد نظر نیست.

(۳) نگاه کنید به «بنه» جواد صفی نژاد.

سالک از طریق مباشر و عوامل خود نوعی رقابت در بین بنه‌ها پدید می‌آورد، و معمولاً به هنگام برداشت محصول به بنه‌ای (غالباً به سر بنه) که بیشترین محصول را ارائه می‌داد، جایزه نقدی و یا جنسی می‌پرداخت، گاهی نیز قطعه‌ای زمین علاوه بر زمینهای بنه در سال زراعی بعد در اختیار سر بنه یا سالار قرار می‌داد. از آنجا که اندازه زمین و شرایط کاربری همه واحدهای تولید گروهی تقریباً مساوی بود، مدیر واحدی که کمترین تولید را عرضه داشته بود، تنبیه می‌گردید، باین ترتیب که معمولاً سال زراعی بعد به عنوان سر بنه یا سالار منصوب نمیشد.

۵- به دلیل مسئولیت سر بنه‌ها، فشار به اعضای بنه زیاد بود تا جائی که وقتی بیماری یکی از اعضاء از دو سه روز متجاوز میشد، او را وادار به استخدام کارگر بجای خود می‌نمودند. کم کاری بد کاری و عدم انجام وظایفی که سر بنه تعیین میکرد، موجب توبیخ عضوی می‌گردید. بدیهی است که این شرایط و شیوه کار گروهی که اصولاً نظارت همه اعضاء را بر یکدیگر ایجاب میکرد، در جهت افزایش تولید قرار داشته و در نتیجه میزان سهم سالک از محصول را بالا می‌برد. ۳- در این نوع واحدها جز نیروی کار هیچ عامل دیگری از تولید، اشتراکی نبوده است، باین ترتیب که زمین و آب را مالک تاسین می‌کرد، بذر رانیز معمولاً مالک در اختیار قرار می‌داد و گاو کار را یا مالک یا برخی از سر بنه‌ها و یا زارعین عضو بنه و یا گاو بند فراهم می‌آورد، و هیچگاه اعضاء بنه دارای گاو کار مشترک نبودند. معمولاً یک پنجم محصول نصیب صاحب وسیله شخم (گاو کار) می‌گردید.

۴ - معمولاً زمین یک بنه برای سالهای متوالی در دست یک واحد تولید گروهی قرار نمی‌گرفت: هر سال زمینهای مورد کاشت بنه، تغییر می‌کرد، اعضاء بنه و حتی سر بنه‌ها نیز ممکن بود بر اساس نظر سر بنه‌ها و یا مالک عوض شوند. اگر اعضاء یک بنه و سر بنه آن تغییر نمی‌کرد، زمین آنها تعویض می‌شد، زیرا زمین هر بنه را قرعه یا پشک تعیین می‌کرد. ۵- اعضاء بنه اختیار انتخاب همکار خود را نداشتند، هر زارع صاحب نسق حق داشت تقاضای عضویت در بنه‌ای را بنماید ولی، تصمیم در مورد رد یا قبول تقاضای او با سر بنه بود. از آنجا که سر بنه‌ها معمولاً از افراد با تجربه و ریش سفید انتخاب می‌شدند و مورد حمایت مالک بودند تصمیمی را که اتخاذ می‌کردند بمرحله اجراء در می‌آوردند.

۶- کار افراد بنه یکسان نبوده و سر بنه وظیفه و مسئولیت هر یک از اعضاء را تعیین میکرد، معمولاً سر بنه‌ها با توجه به تقسیم کار داخل بنه، افراد را انتخاب می‌کردند و از ابتدا وظیفه هر عضو معلوم بود بنابراین مشکل عمده‌ای در امر مدیریت وجود نداشت.

۷- سرمایه گذاری جاری و تأمین اعتبار مورد نیاز خانوارهای عضو بنه اعم از نقدی و جنسی توسط مالک و از طریق سر بنه‌ها تأمین شده و سر محصول برداشت می‌شد.

۸- تاسین آب زراعی برعهده مالک بوده، تنقیه و لایروبی قنوات، حفره چاه عمیق و نگهداری

و تعمیر موتور آن و خلاصه سرمایه‌گذاری در امر تامین آب با مالک بود، اگرچه او در موارد ضروری از نیروی کار زارعین بصورت بیگاری بهره می‌گرفت، معذالک مالک هیچگاه در این وظیفه خود قصور نمی‌نمود، زیرا کمبود و نبود آب مستقیماً درآمد مالک از زمین را به مخاطره می‌انداخت. مساحت زمین هائی که در اختیار بنه‌ها قرار می‌گرفت و میزان آب زراعی آنها معمولاً برابر بوده، از طرفی تعداد اعضای هر بنه نیز مساوی تعیین می‌شد. برنامه کشت، هر ساله توسط مالک تعیین می‌شد و هر یک از واحدهای تولیدگروهی علاوه بر اینکه دو یا سه نوع محصول مشخص شده را کشت می‌نمودند، اندازه زمین که به هر کشت اختصاص می‌دادند، نیز تقریباً مساوی بود و گذشته از این همه بنه‌ها کشت محصول خاصی را در کنار یکدیگر یا در یک پلوک، آیش یا کشتان انجام می‌دادند. این امر که با هماهنگی سربنه‌ها و به‌خواست مالک انجام میشد، علاوه بر صرفه‌جویی در مصرف آب، موجب تسهیلاتی در امر سم‌پاشی و داشت می‌گردید.

۱- هر یک از اعضای بنه در هر زمان از سال مجاز به ترک واحد تولیدگروهی بوده و می‌توانست حق خود را به روستایی دیگری و یا به عضوی از اعضای بنه بفروشد.

۱- به هنگام برداشت محصول پس از وضع هزینه طبق عرف محل و تحویل سهم مالک و صاحب‌گاو کار باقی محصول بین اعضای بنه بطور مساوی تقسیم می‌گردد، در برخی از موارد سهم سربنه قدری بیشتر از اعضای بنه بوده است، ولی معمولاً سربنه‌ها سالانه پاداشی نقدی و یا جنسی از مالک دریافت می‌کردند و یا مالک با واگذاری قطعه زمینی با اجازه می‌داد که با استفاده از نیروی کار اعضای بنه آنرا کشت نموده و پس از برداشت سهم مالک، باقی محصول به شخص سربنه تعلق داشته باشد.

نکات دیگری در مورد این نوع واحدهای تولیدگروهی با توجه به مقررات و عرف هر منطقه وجود دارد که شرح تفصیلی آنها موجب اطاله کلام است.^۱

۲-۲-۲- تحلیل دگرگونی در واحدهای تولیدگروهی (بنه‌ها)

این شیوه بهره‌برداری با انجام برنامه تقسیم اراضی دهه ۳۴، بتدریج کاهش یافته تا حدی که در بسیاری از مناطق آثاری از آنها بچشم نمی‌خورد.

علت عمده و اساسی متروک شدن این شیوه تولیدی، تقسیم زمین‌های زراعی میباشد، زیرا اجرای برنامه تقسیم اراضی از یک طرف موجب دگرگونی در نظام اجتماعی و اقتصادی روستا گردید و مالک را به‌عنوان مدیر از صحنه روستا حذف کرد، از طرف دیگر مالکیت اراضی را بر

۱) برای اطلاع بیشتر به بنه تالیف جواد صفی‌نژاد، سئوگرافی ابراهیم آباد نیشابور، از پروفیسور سوریو-انو و مهدی طالب، از انتشارات بخش تحقیقات روستائی موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی و سایر تحقیقات بخش تحقیقات روستائی همین موسسه مراجعه شود.

اساس نسق هریک از زارعین به خود آنها منتقل نمودند، معنی واگذاری اراضی بر اساس نسق فردی صورت گرفت و بندها را مبنای واگذاری اراضی قرار ندادند.

زمین هر زارع را مشخص کرده و با و تحویل دادند، که این امر موجب شد تا «گروهی کار کردن» سواچه با اشکالاتی گردد، اگرچه در غالب روستاها در سالهای اول با توجه به عرف و عادت روستاییان عضویت در واحدهای تولیدگروهی را ادامه دادند، ولی بتدریج ناهمگونی در تعداد اعضاء بنه و بالنتیجه در سطح زیر کشت آنها حاصل شد تا جائیکه کشت بصورت منفرد شایع شد و شرکتهای تعاونی روستایی نیز که با قصد جانشین شدن مالک از بعد مسائل مربوط به مدیریت و سرمایه گذاری تشکیل شده بودند، واحد زراعی خانوادگی را مبنای کار قرار داده و وام و اعتبار بصورت فردی در اختیار آنها گذاشتند.

در مرحله بعدی اصلاحات ارضی بخصوص بدنبال اجرای شق مربوط به تقسیم آب و زمین بین زارعین و مالک، نسق روستا خود بخود بهم خورد و میزان زمینی که در اختیار روستا-بیان قرار گرفت (متناسب با سهمی که قبلا از محصول داشتند) کمتر از قبل بود و عملاً امکان ادامه کار بنه وجود نداشت. بدیهی است که نمی توان اطمینان داشت که در صورت واگذاری زمین بشکل گروهی، زارعین نسبت به تقسیم آن بین خود اقدام نمی کردند، لکن می توان ادعا کرد که حفظ واحدهای مزبور و ادامه حیات آنها مد نظر برنامه ریزان و سجزیان تقسیم اراضی نبوده است. سایر عواملی را که موجب کاهش و یا ترک همیاری در این زمینه گردیده است می توان با توجه به ویژگیهای بنه بشرح زیر دانست:

- تغییر نظام اجتماعی روستا و متحول شدن سلسله مراتب اجتماعی درده که معمولاً در ارتباط با قدرت مالک و نزدیکی با او قرار داشت، از عواملی است که موجب درگیری و عدم توافق زارعین گردید، به عبارتی آنها خود را از نظر اجتماعی برابر یافتند، زیرا منزلت اجتماعی را در رابطه با زمین داشتن یافتند و بنابراین تفاوتی بین خود به صورتی که سلسله مراتب و تقسیم کار داخل بنه را پدیدرند، قائل نبودند.

- زمین هر زارع مشخص شده بود بنابراین واحد تولیدگروهی اجباراً برحسب هم جواری مزارع باید تشکیل می شد و چه بسا اتفاق و سازگاری بین آنها وجود نداشت و یاد در صورت بروز اختلاف، انتخاب دیگری جز کشت انفرادی نداشتند، به عبارت دیگر مشخص بودن زمین هر کس محدوده همیاری و تشکیل واحدگروهی را تنگ کرده بود. بهمین دلیل بتدریج با بروز کوچکترین اختلافی ابعاد واحدگروهی کاهش یافت تا به استقرار واحدهای فردی منجر گردید. اعضای یک خانواده و یا آشنایان نزدیک که سازگاری بیشتری داشتند مدتی واحد تولیدگروهی را حفظ کردند و یا بتدریج اعضاء سهم خود را به دیگر شرکاء اجاره داده و خود به کار دیگری پرداختند و بعضاً به شهرها مهاجرت نمودند ولی مالکیت خود بر زمین را محفوظ داشتند.

سر بنه‌ها یا مدیران واحد تولید گروهی از جانب اعضای بنه تعیین می‌شدند، بنابراین هر زمان امکان عزل او وجود داشت و اجرای دستورات او مثل گذشته بی‌چون و چرا صورت نمی‌گرفت، هر دهقان عضو بنه خود را صاحب نظر میدانست و معمولاً نظر خود را بر دیگران ترجیح می‌داد، بنابراین مدیریت از اختیار لازم و کافی برخوردار نبود.

-تنظیم برنامه کشت در یک واحد تولیدی می‌بایست با نظر اعضاء تنظیم گردد، و رسیدن به توافقی قاطع در داخل یک بنه دشوار بود چه رسد به هماهنگی بین کلیه واحدها، هر یک از زارعین با توجه به نوع زمینش، وضعیت محصولات در بازار، تعداد اعضاء خانوار و وضع دانداری خویش بدنبال اعمال نظر خود و استقلال در کشت بود.

-کار اعضاء خانواده زارع در روی زمینش از دیگر سائلی بود که سوجب پروزنا هماهنگی در کار واحد تولید گروهی می‌گردید، چه بسا افرادی بودند که فاقد نیروی کار خانوادگی بودند، و دیگران خواستار واگذاری قسمتی از کار مزرعه به اعضاء خانواده خود بودند.

-تاسین هزینه‌های جاری زراعی میبایست توسط اعضاء بنه فراهم آید. عدم توانایی برخی از آنها در تاسین هزینه‌های مزبور و عدم توافق در استفاده از برخی از نهادهای کشاورزی از دیگر مشکلات واحدهای تولید گروهی بود، و زارعین عضو بنه حاضر به تعهد بدهی دیگران نبودند.

-علاوه بر نکات فوق موضوع مالکیت و علاقه زارع به کار خود و اعضاء خانواده اش بر روی زمین متعلق به خویش است. علاقه او به تسطیح، احیاء و آباد کردن زمین، غرس درخت، کشت محصولات مورد نظر که بعضاً ممکن است شامل سواد مصرفی خانوار گردد، از دیگر مسائلی است که گرایش زارع را به کار فردی سوجب می‌گردد. کار زارع در مزارع مکانیزه به صورت کارگر زراعی و یا پرداختن به فعالیتهای دیگر و یا مهاجرت فصلی به شهر برای کار، در صورتی ممکن بود که بصورت فردی کشاورزی کند و اختیار مزرعه اش را خود داشته باشد.

خلاصه اینکه همیاری به شکل بنه در گذشته در فضای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خاصی جریان داشت. تطور و حتی سحو آن در پاره‌ای از نقاط متعاقب دگرگونیهای اقتصادی اجتماعی حاصله در جامعه روستائی اسری طبیعی جلوه می‌کند. اصراری که توسط برخی از برنامه ریزان در احیاء این شیوه تولیدی به کار رفت و می‌رود نتایج خود را در واحدهای ششاع بیار آورد. باین ترتیب که پس از گذشت مدت کوتاهی بدلائل مختلف تقطیع زمینها و تقسیم آن بین اعضاء

۱) بهیچ وجه بحث از عدم استفاده از زمینه‌های همیاری در جامعه روستایی ایران مطرح نیست، بلکه احیای شیوه‌ای که در بستری خاص و در نظام مالک و رعیتی تحت مدیریت مالک یا اعوانش فعال بود، بهمان صورت نشانه عدم توجه به واقعیات جامعه روستایی و تحولاتی است که در این چند ساله متحمل گردیده است.

مشاع پذیرفته شد و یا در مقابل تقسیم زمینها توسط زارعین غمض عین شده و واحدهایی نظیر واحدهای بهره‌برداری خانوادگی پدید آمد. بحث در مورد اصلاحات ارضی بعد از انقلاب اسلامی و تشکیل تعاونیهای تولید کشاورزی (مشاعها) را به مقاله دیگری موکول می‌نمایم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی